Journal of Cognitive psychology
June 2024, Volume 12, Issue 2

The Structural Model of Cognitive Depression Based on Early Maladaptive Schemas with the Mediation of Personality Traits in Students

Bahare Mohammadi [1*] ,Seyed Amirhossein Mousavi[2] , Sara Shah Mir[3] ,Fateme Baba Ahmadi[4]

*1.Master's degree in Educational Psychology, Faculty of Educational Sciences and Psychology, Khwarazmi University, Karaj, Iran. (*Corresponding Author)*

2.Master's degree in Educational Psychology, Faculty of Educational Sciences and Psychology, Khwarazmi University, Karaj, Iran.

3.Master's degree in School Counseling, Faculty of Educational Sciences and Psychology, University of Tehran, Tehran, Iran.

4.Master's degree in Clinical Family Psychology, Islamic Azad University, Khomin Shahr Branch, Khomin Shahr, Iran.

Citation: Mohammadi, B., Mousavi, S. A., Shah Mir, S., & Baba Ahmadi, F. The Structural Model of Cognitive Depression Based on Early Maladaptive Schemas with the Mediation of Personality Traits in Students**. J**ournal of **C**ognitive **P**sychology. 2024; 12 (2):1-12 [Persian].

Abstract

This study aimed to determine the structural model of cognitive depression based on early maladaptive schemas with the mediation of cognitive processing of personality traits in students. The research method was correlational and based on structural equation modeling. A sample of 300 students from Tehran universities was selected using a multistage cluster sampling method. Participants completed the Beck Depression Inventory (BDI, 1961), Young's Early Maladaptive Schemas Questionnaire (1998), Cognitive Processing Questionnaire, and the NEO Five-Factor Inventory (NEO-FFI). Data were analyzed using descriptive statistics and structural equation modeling in SPSS version 25 and AMOS version 22. The results showed that the proposed model did not exhibit an adequate fit. Direct effect analysis indicated that early maladaptive schemas had a significant positive impact on cognitive depression and personality traits. However, the examination of indirect effects revealed that early maladaptive schemas did not mediate cognitive depression through the cognitive processing of personality traits. Overall, the findings suggested that early maladaptive schema components can directly influence students' cognitive depression, but this effect is not significant through the mediation of cognitive processing of personality traits.

Key words
Cognitive Depression, Early Maladaptive Schemas, Personality Traits

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.23455780.1403.12.2.7.2]

الگوی ساختاری افسردگی شناختی بر اساس طرحواره‌های ناسازگار اولیه با میانجی‌گری ویژگی‌های شخصیت در دانشجویان

بهاره محمدی[۱*] ، سید امیرحسین موسوی[۲] ، سارا شاه میر[۳] ، فاطمه بابا احمدی[۴]

۱.کارشناسی ارشد روانشناسی تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه خوارزمی، کرج، ایران. (نویسنده مسئول)
bm.52400838@gmail.com

۲.کارشناسی ارشد روانشناسی تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه خوارزمی، کرج، ایران.

۳.کارشناس ارشد مشاوره مدرسه، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

۴.کارشناس ارشد روانشناسی بالینی خانواده، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد خمین شهر، خمین شهر، ایران.

تاریخ دریافت
۱۴۰۳/۰۱/۱۵

تاریخ پذیرش نهایی
۱۴۰۳/۰۶/۳۱

چکیده

این پژوهش با هدف تعیین الگوی ساختاری افسردگی شناختی بر اساس طرحواره‌های ناسازگار اولیه با میانجی‌گری پردازش شناختی ویژگی‌های شخصیت در دانشجویان انجام شد. روش پژوهش از نوع همبستگی و مبتنی بر مدل‌یابی روابط ساختاری بود. نمونه‌ای متشکل از ۳۰۰ دانشجوی دانشگاه‌های تهران به‌صورت خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شد و به پرسشنامه‌های افسردگی بک (۱۹۶۱)، طرحواره‌های ناسازگار اولیه یانگ (۱۹۹۸)، پرسشنامه پردازش شناختی و پرسشنامه پنج عاملی شخصیت پاسخ دادند. داده‌ها با استفاده از روش‌های آمار توصیفی و مدل‌یابی معادلات ساختاری در نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۵ و AMOS نسخه ۲۲ تحلیل شد. نتایج نشان داد مدل پیشنهادی از برازش مطلوبی برخوردار نیست. تحلیل اثرات مستقیم نشان داد که طرحواره‌های ناسازگار اولیه تأثیر مثبت و معناداری بر افسردگی شناختی و ویژگی‌های شخصیت دارند. با این حال، بررسی اثرات غیرمستقیم نشان داد که طرحواره‌های ناسازگار اولیه از طریق پردازش شناختی ویژگی‌های شخصیت نقش میانجی نداشته و تأثیر غیرمستقیم معناداری بر افسردگی شناختی دانشجویان ندارند. به‌طور کلی، یافته‌ها نشان دادند که مؤلفه‌های طرحواره‌های ناسازگار اولیه می‌توانند افسردگی شناختی دانشجویان را به‌طور مستقیم تحت تأثیر قرار دهند، اما این تأثیر از طریق پردازش شناختی ویژگی‌های شخصیت به‌صورت غیرمستقیم معنادار نیست.

واژگان کلیدی
افسردگی شناختی، طرحواره‌های ناسازگار اولیه، ویژگی‌های شخصیت

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.23455780.1403.12.2.7.2]

مقدمه

افسردگی یکی از شایع‌ترین اختلالات روان‌شناختی است که می‌تواند بر جنبه‌های مختلف زندگی فرد تأثیر بگذارد. این اختلال به‌طور کلی با احساس غم، ناامیدی، بی‌ارزشی، و ناتوانی در لذت بردن از فعالیت‌های روزمره همراه است (پرایس و دومان ، ۲۰۲۰). افسردگی شناختی به تغییرات منفی در پردازش اطلاعات و الگوهای فکری اشاره دارد که می‌تواند موجب تشدید و تداوم افسردگی شود (بک، ۲۰۲۱). در این چارچوب، افراد مبتلا به افسردگی معمولاً با افکار منفی خود را بی‌ارزش و ناتوان می‌بینند که این خود می‌تواند بر کیفیت زندگی، سلامت روانی و عملکرد روزانه آنان تأثیر بگذارد (بارتوک، و همکاران، ۲۰۲۲).شیوع افسردگی در جامعه دانشجویی به‌ویژه در سال‌های اخیر به‌طور چشمگیری افزایش یافته است. فشارهای تحصیلی، چالش‌های اجتماعی، و مشکلات هویتی از جمله عواملی هستند که می‌توانند به بروز افسردگی در این گروه منجر شوند (دافی و همکاران، ۲۰۲۰). این اختلال به‌ویژه در دوره‌های بحرانی تحصیلی مانند زمان‌های امتحانات و پایان‌نامه‌نویسی مشاهده می‌شود، جایی که دانشجویان به دلیل استرس و فشارهای اضافی ممکن است به علائم افسردگی مبتلا شوند (جعفری و فرهادی، ۲۰۲۱). در نتیجه، افسردگی می‌تواند تأثیرات منفی زیادی بر عملکرد تحصیلی فرد داشته باشد و به کاهش تمرکز، کاهش انگیزه برای انجام تکالیف و حتی ترک تحصیلی منجر شود (وی و همکاران، ۲۰۲۱).علاوه بر این، افسردگی می‌تواند بر روابط اجتماعی دانشجویان نیز تأثیر بگذارد. افراد مبتلا به افسردگی معمولاً دچار انزوا می‌شوند و از تعاملات اجتماعی دوری می‌کنند که این خود می‌تواند موجب افزایش احساس تنهایی و انزوای اجتماعی گردد (لیو و همکاران ، ۲۰۲۰). از این‌رو، نه تنها افسردگی سلامت روانی فرد را تهدید می‌کند، بلکه روابط اجتماعی و شبکه‌های حمایتی وی را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد (دنگ و همکاران، ۲۰۲۲). در نتیجه، افسردگی در دانشجویان می‌تواند به‌طور هم‌زمان بر جنبه‌های مختلف زندگی آنان تأثیر گذاشته و مشکلات گسترده‌ای برای سلامت روانی و اجتماعی آن‌ها ایجاد کند.

مدل‌های شناختی افسردگی به‌ویژه مدل بک، بر نقش افکار منفی و انتظارات بدبینانه در تداوم این اختلال تأکید دارند (بک، ۲۰۲۱). بر اساس این مدل، افراد افسرده دارای طرحواره‌های شناختی منفی درباره خود، دیگران و آینده هستند که این باورهای ناکارآمد می‌توانند افسردگی را تشدید کنند (ویتنگل و همکاران ، ۲۰۲۰). در این زمینه، طرحواره‌های ناسازگار اولیه به‌عنوان الگوهای عمیقاً تثبیت‌شده‌ای از شناخت و هیجان شناخته می‌شوند که در دوران کودکی شکل گرفته و در بزرگسالی تأثیرات پایداری بر سلامت روان فرد دارند(دنگ و همکاران، ۲۰۲۲). تحقیقات نشان داده‌اند که طرحواره‌های ناسازگار اولیه، مانند طرحواره‌های «بی‌ارزشی» و «نقص و شرم»، می‌توانند ارتباط مستقیمی با شدت علائم افسردگی داشته باشند (کوتوف، و همکاران ، ۲۰۱۰).

طرحواره‌ها باورهایی هستند که افراد درباره خود، دیگران و محیط دارند، و به طور معمول از ارضا نشدن نیازهای اولیه به خصوص نیازهای عاطفی در دوران کودکی سرچشمه میگیرند (بیلمنز و همکاران ، ۲۰۲۵). گرچه فرد ممکن است آگاه باشد که طرحواره‌هایش منجر به ناراحتی او می‌شوند، اما به دلیل حس آشنایی و سازگاری شناختی، در برابر تغییر آن‌ها مقاومت نشان می‌دهد. این فرایند سبب می‌شود که فرد طرحواره‌های خود را به‌عنوان حقیقتی مسلم تلقی کرده و به‌طور ناخودآگاه در موقعیت‌هایی قرار گیرد که این باورها را تأیید و تقویت می‌کنند (ادوراد، ۲۰۲۲). نظریه طرحواره‌درمانی که توسط یانگ و همکارانش در دهه ۱۹۹۰ توسعه یافت، بر پایه نظریه‌های شناختی-رفتاری کلاسیک استوار بوده و مفاهیم آن را گسترش داده است (آنتونی ، ۲۰۲۱). در این چارچوب، طرحواره‌ها به‌منزله ساختارهایی شناختی تلقی می‌شوند که به سازمان‌دهی و پردازش اطلاعات، تفسیر تجربیات جدید و هدایت واکنش‌های فرد نسبت به محیط کمک می‌کنند. در صورتی که این طرحواره‌ها سالم و انطباقی باشند، فرد نگرشی مثبت، امیدوارانه و سازنده

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.23455780.1403.12.2.7.2]

نسبت به خود و محیط خواهد داشت. اما در صورت ناسازگار بودن، فرد ممکن است خود را بی‌کفایت و ناتوان ارزیابی کرده و در مواجهه با چالش‌ها، موانعی غیرقابل عبور را تجربه کند که در نهایت می‌تواند او را در معرض آسیب‌های روان‌شناختی قرار دهد (آپالکواس و همکاران ، ۲۰۲۰). طرحواره‌های ناسازگار معمولاً ماهیتی تکراری، خودسرزنشگرانه و همراه با محتوای منفی دارند (آرنود و همکاران ، ۲۰۱۸). در این راستا، مدل شناختی بک نشان می‌دهد که تحریف‌های شناختی ناشی از فعال‌سازی الگوهای پردازش اطلاعات اولیه هستند که در نتیجه تعامل متقابل ویژگی‌های شخصیتی و عوامل محیطی شکل می‌گیرند. این الگوها برای هر فرد منحصربه‌فرد بوده و میزان آسیب‌پذیری او را نسبت به ناراحتی‌های روان‌شناختی تعیین می‌کنند. از این منظر، ساختار شخصیتی و باورهای بنیادین فرد درباره خود و جهان، نقش بسزایی در شدت و پایداری طرحواره‌های ناسازگار ایفا می‌کنند (باسیل وهمکاران ، ۲۰۱۹). بر این اساس، نمی‌توان از نقش صفات و ویژگی های شخصیت و تاثیر آن بر طرحواره‌های ناسازگار غافل ماند. چرا که این صفات در بسیاری از موقعیت‌های زندگی شخصی و اجتماعی فرد تعیین‌کننده نوع رفتاری است که فرد از خود آشکار می کند.

علاوه بر نقش طرحواره‌ها در شکل‌گیری و تداوم باورهای ناسازگار، ویژگی‌های شخصیتی نیز در این فرآیند تأثیر بسزایی دارند. شخصیت به‌عنوان یک سازه روان‌شناختی، الگوهای ثابت رفتاری، شناختی و هیجانی فرد را تعیین می‌کند و می‌تواند بر نحوه پردازش اطلاعات و تنظیم شناختی هیجان اثرگذار باشد. درواقع، شخصیت چارچوبی را فراهم می‌کند که در آن، طرحواره‌های فردی شکل می‌گیرند و در واکنش به تجارب زندگی فعال می‌شوند (بوند و همکاران ، ۲۰۱۶). از دیدگاه آلپورت، شخصیت یک سازمان پویا درون فردی است که از تعامل بخش‌های روانی و جسمانی تشکیل شده و رفتار و افکار فرد را تعیین می‌کند. این تعریف بر پویایی و تغییرپذیری شخصیت در طول زمان تأکید دارد (چاد و همکاران ، ۲۰۲۰). علاوه بر این، نینگروم، و همکاران (۲۰۲۴) شخصیت را به‌عنوان مجموعه‌ای از صفات و گرایش‌های پایدار می‌دانند که تفاوت‌های فردی را در رفتار مشخص می‌کنند. در این راستا، شخصیت نه‌تنها در شناخت فرد از خود و دیگران نقش دارد، بلکه پیش‌بینی‌کننده واکنش‌های فرد در موقعیت‌های مختلف نیز محسوب می‌شود . به‌طور خاص، کیم (۲۰۲۴) مطرح کرده‌که تیپ شخصیتی می‌تواند میزان سازمان‌دهی و سازگاری فرد را در مواجهه با مسائل و فرآیندهای تصمیم‌گیری تعیین کند. به بیان دیگر، شخصیت یکی از نزدیک‌ترین متغیرهای اثرگذار بر تصمیم‌گیری است که از طریق تعامل با دیگر عوامل شناختی و هیجانی، جهت‌گیری‌های فرد را در موقعیت‌های مختلف شکل می‌دهد. در این راستا، مدل پنج عامل بزرگ شخصیت، که شامل روان‌رنجوری، برون‌گرایی، سازگاری، استقبال از تجربه و وظیفه‌شناسی است، به‌عنوان یکی از مدل‌های جامع در تبیین روابط بین شخصیت و سایر سازه‌های روان‌شناختی همچون افسردگی مطرح شده است این مدل نشان می‌دهد که ویژگی‌های شخصیتی می‌توانند نقش کلیدی در نحوه پردازش هیجانات، تعاملات بین فردی و حتی شکل‌گیری طرحواره‌های ناسازگار ایفا کنند (دمبو و همکاران ،۲۰۲۰). با توجه به مطالب ذکر شده، روشن است که طرحواره‌های ناسازگار و ویژگی‌های شخصیتی به‌طور مستقیم و غیرمستقیم بر خلق‌وخوی افراد تأثیرگذارند. در این راستا، پژوهش‌ها نشان داده‌اند که ویژگی‌های شخصیتی و ویژگی‌های شناختی می‌توانند نقش مهمی در ایجاد و پیش‌بینی اختلالات روان‌شناختی نظیر افسردگی ایفا کنند. به‌عنوان مثال، پژوهشی از دونل و همکاران (۲۰۱۸) با عنوان "گرایش به اعتیاد بر اساس تحریف‌های شناختی و ویژگی‌های شخصیتی در دانشجویان" نشان داد که ویژگی‌های شخصیتی و گرایش به اعتیاد رابطه معناداری با یکدیگر دارند و همچنین رابطه معناداری بین فرسودگی تحصیلی و گرایش به اعتیاد در این پژوهش مشاهده شد. همچنین، پژوهش فیشر و همکاران (۲۰۱۶) نشان داد که باورهای فراشناختی و عاطفه منفی تأثیر زیادی بر

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.23455780.1403.12.2.7.2]

پیش‌بینی افسردگی و اضطراب دارند. در همین راستا، پژوهش فلینک (۲۰۱۹) با عنوان "نقش واسطه‌گری طرحواره‌های ناسازگار اولیه در رابطه بین سبک‌های دلبستگی و افسردگی" نشان داد که سبک دلبستگی ایمن می‌تواند بر طرحواره‌های ناسازگار اثر مثبت گذاشته و از این طریق افسردگی را کاهش دهد، در حالی که سبک دلبستگی ناایمن با تأثیر منفی بر طرحواره‌ها باعث افزایش افسردگی می‌شود.

با وجود این پژوهش‌ها، هنوز تحقیقی که به‌طور خاص تأثیر طرحواره‌های ناسازگار اولیه را با میانجی‌گری ویژگی‌های شخصیتی بر میزان افسردگی در دانشجویان مورد بررسی قرار داده باشد، در دسترس پژوهشگران نبوده است. از سوی دیگر، با توجه به شیوع بالای افسردگی در میان دانشجویان و پیچیدگی عوامل روان‌شناختی و درونی تأثیرگذار بر آن، این پژوهش در تلاش است تا رابطه میان طرحواره‌های ناسازگار اولیه و افسردگی را با میانجی‌گری ویژگی‌های شخصیتی در دانشجویان بررسی کند. این تحقیق از این رو اهمیت دارد که به‌دنبال پاسخ به این سؤال است که آیا ویژگی‌های شخصیتی می‌توانند به‌عنوان متغیر میانجی در پیش‌بینی افسردگی بر اساس طرحواره‌های ناسازگار اولیه در دانشجویان نقش ایفا کنند؟

روش

پژوهش حاضر از نوع مطالعات کمی و همبستگی است که با بهره‌گیری از روش مدل‌یابی معادلات ساختاری به بررسی روابط بین متغیرهای پژوهش می‌پردازد. با توجه به محدوده زمانی، این مطالعه از نوع مقطعی محسوب می‌شود.جامعه آماری پژوهش شامل کلیه دانشجویان دانشگاه‌های استان تهران در سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۰ بود. برای تعیین نمونه آماری، از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای استفاده شد. در مرحله نخست، به‌صورت تصادفی سه دانشگاه از میان دانشگاه‌های استان تهران انتخاب شد. در مرحله بعد، از هر دانشگاه، تعدادی دانشکده به‌طور تصادفی انتخاب گردید و در نهایت، از هر دانشکده، کلاس‌هایی به‌صورت تصادفی برای شرکت در پژوهش در نظر گرفته شد. در مجموع، ۳۲۱ پرسشنامه بین دانشجویان منتخب توزیع گردید که پس از بررسی، ۳۰۰ پرسشنامه کامل و قابل‌استفاده وارد مرحله تحلیل شدند.معیارهای ورود به پژوهش شامل دانشجو بودن در مقطع کارشناسی یا تحصیلات تکمیلی در یکی از دانشگاه‌های استان تهران، تمایل به شرکت در پژوهش، و تکمیل کامل پرسشنامه‌ها بود. در مقابل، معیارهای خروج شامل ناقص بودن داده‌ها، مخدوش بودن پاسخ‌ها، و عدم همکاری در تکمیل پرسشنامه بود.جهت اطمینان از صحت و دقت داده‌ها، پس از گردآوری اطلاعات، پرسشنامه‌ها بررسی شده و موارد ناقص یا نامعتبر حذف گردیدند. داده‌های نهایی با استفاده از نرم‌افزار AMOS نسخه ۲۲ و SPSS نسخه ۲۲ تحلیل شد. در گام نخست، تحلیل‌های توصیفی شامل محاسبه فراوانی، درصد، میانگین و انحراف معیار متغیرها انجام گرفت و در گام بعدی، از روش مدل‌یابی معادلات ساختاری برای بررسی روابط بین متغیرها استفاده شد. در تمامی مراحل، رعایت اصول اخلاق پژوهش ازجمله محرمانگی اطلاعات و کسب رضایت آگاهانه از شرکت‌کنندگان مورد توجه قرار گرفت.

ابزار پژوهش

پرسشنامه افسردگی بک (BDI-II): این آزمون اولین بار در سال ۱۹۶۱ از سوی بک و همکارانش معرفی شد و در سال ۱۹۹۶ مورد تجدید نظر قرار گرفت. این آزمون وسیله ای است که برای ارزیابی شدت افسردگی به کار می رود که شامل ۲۱ آیتم است که هر آیتم یکی از علایم افسردگی را می سنجد و از طرفی هر یک از آیتم ها دارای چهار جمله است که شدت افسردگی را می سنجد. هر جمله از نظر شدت بین صفر تا ۳ نمره می گیرد. اغلب پژوهش ها نشان داده اند که این آزمون از ثبات درونی بالایی برخوردار است و ضریب آلفای این آزمون بین ۰/۷۳ تا ۰/۹۵ گزارش شده است. همچنین همبستگی این آزمون با دیگر ابزارهای سنجش افسردگی بین ۰/۵۵ تا ۰/۹۶ می باشد که نشان دهنده ی اعتبار سازهی بالای این آزمون می باشد. شاخص های روانسنجی این آزمون

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.23455780.1403.12.2.7.2]

در ایران به شرح زیر است: ضریب همبستگی میان دو نیمه ۰/۸۹ و ضریب بازآزمایی با فاصله ی یک هفته ۰/۹۴ همبستگی آن نیز با تست افسردگی بک ویرایش اول ۰/۹۳ بود. گودرزی نیز پایایی این پرسشنامه را از راه ضریب همسانی درونی بر پایه ی آلفای کرونباخ، ۰/۸۴ گزارش کرده است (دادفا و کالیباتسوا، ، ۲۰۱۶) . پایایی این پرسشنامه در پژوهش حاضر ۰/۸۶ به دست آمد.

پرسشنامه طرحواره های ناسازگار اولیه- فرم کوتاه:

پرسشنامه طرحواره‌های ناسازگار اولیه – فرم کوتاه، توسط یانگ (۱۹۹۸) طراحی شده و شامل ۷۵ گویه است که به‌منظور ارزیابی پنج حوزه اصلی طرحواره‌ای تدوین شده است. این حوزه‌ها عبارت‌اند از: طرد و بریدگی(رهاشدگی/بی‌ثباتی،بی‌اعتمادی/سورفتار،محرومیت هیجانی، نقص/شرم، انزوای اجتماعی/بیگانگی)، خودگردانی و عملکرد مختل (وابستگی/بی‌کفایتی، آسیب‌پذیری نسبت به ضرر و بیماری، خودتحول‌نیافته، شکست)،محدودیت‌های مختل (استحقاق/بزرگ‌منشی، خویشتن‌داری و خودانضباطی ناکافی)، دیگرجهت‌مندی (اطاعت، ایثار) و هوشیاری افراطی و بازداری (بازداری هیجانی، معیارهای سرسختانه/عیب‌جویی افراطی) .

نمره‌گذاری پرسشنامه بر اساس مقیاس لیکرت پنج‌درجه‌ای انجام می‌شود که در آن، ۱ نشان‌دهنده کاملاً نادرست و ۵ نشان‌دهنده کاملاً درست است. نمره بالاتر در هر طرحواره نشان‌دهنده شدت بیشتر آن طرحواره ناسازگار اولیه در فرد است .بررسی پایایی این ابزار نشان داده است که ضریب آلفای کرونباخ برای کل پرسشنامه ۰,۹۶ گزارش شده است. همچنین، ضرایب پایایی زیرمقیاس‌ها در دامنه‌ای بین ۰,۶۷ تا ۰,۸۲ قرار داشته است(خسروانی و همکاران ،۲۰۲۰). در پژوهشی دیگر ضرایب آلفای کرونباخ در دامنه‌ای بین ۰,۷۰ تا ۰,۸۹ متغیر بوده است(تولایی و همکاران ،۲۰۱۵) . در پژوهش حاضر، پایایی این پرسشنامه بر اساس ضریب آلفای کرونباخ ۰,۸۲ به دست آمد.

پرسشنامه پنج عاملی شخصیت (NEO-FFI):

پرسشنامه پنج‌عاملی شخصیت (NEO-FFI) نسخه کوتاه‌شده پرسشنامه تجدیدنظرشده NEO است که توسط مک‌کری و کاستا (۲۰۰۲) طراحی شده و شامل ۶۰ گویه است. این ابزار برای ارزیابی پنج عامل اصلی شخصیت، مطابق با مدل پنج‌عاملی، توسعه یافته است. این عوامل شامل روان‌نژندی، برون‌گرایی، گشودگی به تجربه، توافق‌پذیری و وظیفه‌شناسی می‌باشند.

پاسخ‌دهی به گویه‌های این پرسشنامه بر اساس مقیاس لیکرت پنج‌درجه‌ای انجام می‌شود که شامل گزینه‌های "کاملاً مخالفم"، "مخالفم"، "بی‌تفاوت"، "موافقم" و "کاملاً موافقم" است. برخی از گویه‌ها به‌صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شوند، به این معنا که در این موارد، گزینه "کاملاً مخالفم" نمره ۵ و گزینه "کاملاً موافقم" نمره ۱ دریافت می‌کند، در حالی‌که سایر گویه‌ها به‌صورت مستقیم نمره‌گذاری می‌شوند.

پایایی این پرسشنامه در مطالعات مختلف تأیید شده است. مک‌کری و کاستا (۲۰۰۲) ضریب آلفای کرونباخ این ابزار را در دامنه‌ای بین ۰,۷۴ تا ۰,۸۹ و میانگین ۰,۸۱ گزارش کرده‌اند که بیانگر همسانی درونی مطلوب آن است. آزخوش و عسگری (۲۰۱۴) در پژوهش خود به بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی پرسشنامه پنج‌عاملی شخصیت (NEO-FFI) در فرهنگ ایرانی پرداختند. نتایج این مطالعه نشان داد که پایایی پرسشنامه با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ برای پنج عامل اصلی شخصیت در دامنه‌ای بین ۰,۷۱ تا ۰,۸۶ قرار دارد که بیانگر همسانی درونی مطلوب این ابزار است. علاوه بر این، ضریب اعتبار بازآزمایی برای خرده‌مقیاس‌های مختلف بین ۰,۶۸ تا ۰,۸۲ گزارش شد که نشان‌دهنده ثبات زمانی مناسب پرسشنامه در جامعه ایرانی است.در پژوهش حاضر، ضریب آلفای کرونباخ برای پرسشنامه NEO-FFI برابر با ۰,۷۹ محاسبه شد که بیانگر همسانی درونی مطلوب و پایایی مناسب آن در نمونه مورد مطالعه است.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.23455780.1403.12.2.7.2]

یافته‌ها

نتایج توصیفی متغیرهای پژوهش نشان داد که در بین ابعاد ویژگی‌های شخصیت، وظیفه‌شناسی بالاترین میانگین را دارد (۴۲,۹۲, انحراف استاندارد ۷,۷۱)، سپس برون‌گرایی/درون‌گرایی (۴۰,۵۴, انحراف استاندارد ۷,۴۳) و توافق‌پذیری (۴۰,۵۳, انحراف استاندارد ۵,۹۵) قرار دارند. در میان ابعاد طرحواره‌های ناسازگار اولیه، وابستگی کمترین میانگین را دارد (۸,۰۴, انحراف استاندارد ۳,۳۵) و پس از آن نقص و شرم قرار می‌گیرد (۸,۷۲, انحراف استاندارد ۳,۴۳). همچنین، افسردگی در نمونه پژوهش دارای میانگین ۱۳,۲۵ و انحراف استاندارد ۹,۳۶ است.

نتایج تحلیل مسیر نشان داد که طرحواره‌های ناسازگار اولیه با ویژگی‌های شخصیت رابطه‌ای منفی و معنادار دارند و همچنین، طرحواره‌های ناسازگار اولیه تأثیر مثبت و معناداری بر افسردگی دارند با این حال، رابطه بین ویژگی‌های شخصیت و افسردگی معنادار نبود.

این یافته‌ها نشان می‌دهد که طرحواره‌های ناسازگار اولیه می‌توانند افزایش افسردگی را پیش‌بینی کنند، اما ویژگی‌های شخصیت در این مدل تأثیر مستقیمی بر افسردگی نداشته‌اند.

جدول ۱: ماتریس همبستگی بین متغییرها

متغییر	۱	۲
۱-طرحواره های ناسازگار اولیه		
۲-ویژگی های شخصیت	-.145*	
۳-افسردگی	.654**	-.088

جدول۲: شاخص برازش مدل

شاخص	χ^2	df	χ^2/df	GFI	AGFI	NFI	IFI	TLI	CFI	RMSEA
مقدار	۹۸۶/۸۴	۱۸۷	۵/۷۶	۰/۷۴	۰/۶۸	۰/۶۹	۰/۷۳	۰/۸۴۱	۰/۷۴	۰/۱۲
دامنه قابل قبول			۱-۵	>۰/۹۰	>۰/۹۰	>۰/۹۰	>۰/۹۰	>۰/۹۰	>۰/۹۰	< ۰/۰۶

برای پاسخ به سؤال اصلی پژوهش از روش مدل‌یابی معادلات ساختاری و نرم‌افزار آماری Amos نسخه ۲۰ استفاده شد. قبل از تحلیل داده‌ها و برای اطمینان از اینکه داده‌های این پژوهش مفروضه‌های زیربنایی مدل‌یابی معادلات ساختاری را برآورد می‌کنند، به منظور بررسی برازش مدل، شاخص‌های مجذور خی بر درجات آزادی، شاخص‌های نیکویی برازش (GFI) ، نیکویی برازش اصلاح شده(AGFI) ،برازش هنجار شده(NFI)،برازش افزایشی (IFI)توکر-لوئیس (TLI)برازش تطبیقی(CFI)و ریشه میانگین مربعات خطای برآورد RMSEA برآورد شد که نتایج اولیه در جدول شماره ۲ آمده است. همانطور که در جدول مشاهده می‌شود، اکثر شاخص‌ها نامطلوب و در محدوده قابل قبول قرار ندارند. بنابراین مدل به صورت کلی دارای برازش مطلوب با داده‌ها نیست.

شکل ۱: شکل نهایی مدل اصلاح شده

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.23455780.1403.12.2.7.2]

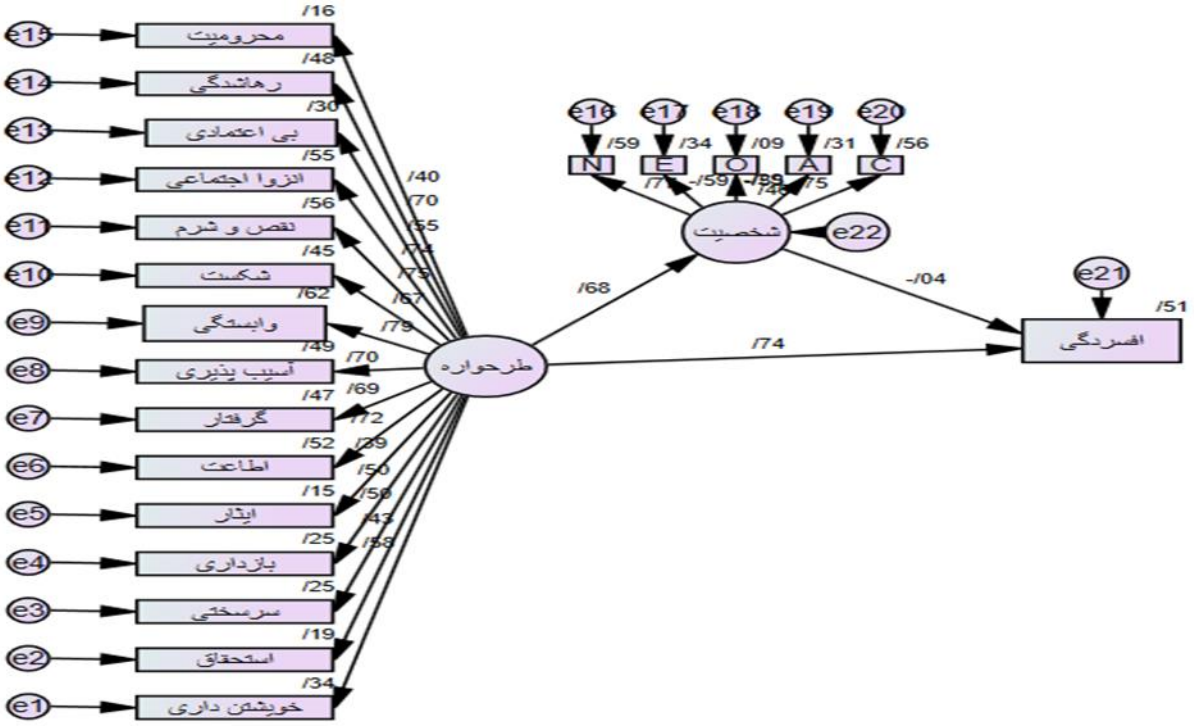

جدول ۳: ضرایب استاندارد شده اثرات متغیرها

از متغیر	برمتغیر	اثر مستقیم	اثر غیر مستقیم	اثر کل
طرحواره‌های ناسازگار	افسردگی	۰/۷۰	-۰/۰۲	۰/۷۰
طرحواره‌های ناسازگار	ویژگی‌های شخصیت	۰/۶۷	-	۰/۶۷
ویژگی‌های شخصیت	افسردگی	-۰/۰۴	-	-۰/۰۴

**معناداری در سطح ۰/۰۱

در جدول ۳، ضرایب استاندارد شده اثر کل، اثر مستقیم و اثر غیرمستقیم متغیرها بر یکدیگر آمده است. همانطور که در جدول دیده می‌شود، اثر کل طرحواره‌های ناسازگار اولیه بر افسردگی معنادار و برابر با ۰/۷۰ است که تقریبا کل این اثر به صورت مستقیم اعمال می‌شود .اثر کل طرحواره‌های ناسازگار بر ویژگی های شخصیت برابر با ۰/۶۷ است که اثر مستقیم معنادار است. و در نهایت اثرکل ویژگی‌های شخصیت برافسردگی غیرمعناداربود.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر بررسی مدل ساختاری افسردگی بر اساس طرحواره‌های ناسازگار اولیه با نقش واسطه‌ای ویژگی‌های شخصیت بود. با توجه به اینکه همه شاخص‌های برازش مدل پس از اعمال اصلاحات در دامنه مورد قبول قرار گرفتند، به طور کلی نتایج پژوهش حاکی از برازش کارآمد داده‌های به‌دست‌آمده از دانشجویان با مدل ارائه‌شده نبود. همچنین یافته‌ها نشان داد که متغیر طرحواره‌های ناسازگار اولیه می‌توانند بر مولفه‌های مختلف ویژگی‌های شخصیت و افسردگی دانشجویان اثر مستقیم داشته باشند، ولی نتایج حاکی از عدم وجود اثرات غیرمستقیم طرحواره‌های ناسازگار اولیه بر افسردگی دانشجویان بود. به گونه‌ای که ابعاد طرحواره‌های ناسازگار اولیه از طریق اثرگذاری بر مولفه‌های مختلف ویژگی‌های شخصیت نمی‌توانند به صورت نقش واسطه‌ای و غیرمستقیم بر افسردگی دانشجویان اثرگذار باشند.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.23455780.1403.12.2.7.2]

یافته‌های پژوهش نشان داد که طرحواره‌های ناسازگار اولیه تأثیر مستقیمی بر افسردگی دارند. این یافته با پژوهش‌های یانگ و همکاران(۲۰۰۶) پالمر-کوپر و همکاران (۲۰۲۳) و طارق و همکاران (۲۰۲۱) همراستا است که نشان داده‌اند طرحواره‌های ناسازگار اولیه، به‌ویژه طرحواره‌هایی مانند نقص و شرم، وابستگی/بی‌کفایتی و محرومیت هیجانی، با شدت بالاتر علائم افسردگی مرتبط هستند. بر اساس نظریه شناختی یانگ، طرحواره‌های ناسازگار اولیه به‌عنوان ساختارهای شناختی ناپایدار، ریشه در تجربیات دوران کودکی دارند و منجر به پردازش‌های شناختی تحریف‌شده‌ای می‌شوند که فرد را مستعد تجربه هیجانات منفی و افسردگی می‌کند. زمانی که فرد در موقعیت‌های مختلف زندگی با تجارب مشابهی روبه‌رو می‌شود، این طرحواره‌ها فعال شده و افکار، هیجانات و رفتارهای منفی را تقویت می‌کنند. به‌عنوان مثال، فردی با طرحواره نقص و شرم ممکن است به‌طور مداوم احساس کند که ارزشمند نیست و دیگران او را نخواهند پذیرفت، که این امر می‌تواند منجر به احساس ناامیدی و افسردگی شود.

نتایج دیگر پژوهش نشان داد که برخلاف انتظار، طرحواره‌های ناسازگار اولیه نمی‌توانند از طریق ویژگی‌های شخصیت بر افسردگی اثر غیرمستقیم بگذارند. این یافته با پژوهش‌های ماجیک و همکاران (۲۰۱۹) و گونگ و چان (۲۰۱۸)مغایرت دارد که نشان داده بودند ویژگی‌های شخصیت، به‌ویژه روان‌رنجورخویی، می‌تواند به‌عنوان یک واسطه در رابطه بین طرحواره‌های ناسازگار اولیه و افسردگی عمل کند. با این حال، پژوهش‌های منیدجل، و همکاران(۲۰۱۷)وایبک و همکاران (۲۰۲۴) نیز نتایجی مشابه با یافته پژوهش حاضر به‌دست آورده‌اند و نشان داده‌اند که طرحواره‌های ناسازگار اولیه تأثیر مستقیمی بر افسردگی دارند و نقش واسطه‌ای ویژگی‌های شخصیت در این رابطه به‌طور قطعی تأیید نشده است. یکی از تبیین‌های احتمالی این یافته آن است که اثرات شناختی و هیجانی طرحواره‌های ناسازگار اولیه آن‌قدر قوی هستند که ویژگی‌های شخصیت نمی‌توانند به‌عنوان واسطه‌ای موثر عمل کنند. از دیدگاه مدل شناختی-هیجانی، طرحواره‌های ناسازگار اولیه، به‌ویژه آن‌هایی که در حوزه بریدگی و طرد قرار دارند، مستقیماً بر شیوه پردازش هیجانات اثر گذاشته و منجر به خلق افسرده می‌شوند، بدون آنکه نیاز به واسطه‌ای مانند ویژگی‌های شخصیت باشد. به بیان دیگر، شدت و پایداری طرحواره‌ها ممکن است چنان قوی باشد که مسیر پردازش اطلاعات و سبک‌های رفتاری فرد را مستقیماً تحت تأثیر قرار دهد، درحالی‌که ویژگی‌های شخصیت بیشتر به‌عنوان عوامل بلندمدت‌تری در شکل‌گیری الگوهای رفتاری و هیجانی نقش دارند.

یافته دیگر پژوهش نشان داد که طرحواره‌های ناسازگار اولیه تأثیر مستقیمی بر ویژگی‌های شخصیت دارند. این یافته با پژوهش‌های بک و فریمن(۱۹۹۶) ، منگوزو و همکاران(۲۰۲۱) و تیم (۲۰۱۷)همراستا است که نشان داده‌اند طرحواره‌های ناسازگار اولیه می‌توانند بر ویژگی‌های شخصیت مانند برون‌گرایی، توافق‌پذیری و وظیفه‌شناسی تأثیرگذار باشند. این یافته را می‌توان بر اساس مدل تحولی شخصیت تبیین کرد که بیان می‌کند باورهای بنیادین و شناخت‌های نهادینه‌شده در دوران کودکی و نوجوانی، به‌مرورزمان به ساختارهای پایدار شخصیت تبدیل می‌شوند. به‌عنوان مثال، فردی که در کودکی با محیطی ناایمن و طردکننده روبه‌رو بوده است، ممکن است به تدریج ویژگی‌های شخصیتی‌ای مانند روان‌رنجورخویی بالا و برون‌گرایی پایین را در خود پرورش دهد. همچنین، مدل طرحواره‌ای یانگ نیز پیشنهاد می‌کند که طرحواره‌های ناسازگار اولیه از طریق سازوکارهای جبرانی، اجتنابی یا تسلیم‌شونده، منجر به شکل‌گیری سبک‌های شخصیتی خاصی می‌شوند که در تنظیم هیجانات و رفتارهای فرد نقش کلیدی ایفا می‌کنند.

به‌طور کلی، یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که طرحواره‌های ناسازگار اولیه اثر مستقیمی بر افسردگی و ویژگی‌های شخصیت دارند، اما برخلاف انتظار، ویژگی‌های شخصیت نتوانستند نقش واسطه‌ای در این رابطه ایفا

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.23455780.1403.12.2.7.2]

کنند. این یافته‌ها بر اهمیت طرحواره‌های ناسازگار اولیه در بروز مشکلات روانشناختی تأکید می‌کنند و نشان می‌دهند که در فرایند پیشگیری و درمان افسردگی، باید توجه ویژه‌ای به شناسایی و اصلاح طرحواره‌های ناسازگار اولیه داشت.

یکی از محدودیت‌های پژوهش حاضر استفاده از روش مقطعی در گردآوری داده‌ها است که امکان بررسی روابط علّی بین متغیرها را محدود می‌کند. برای افزایش دقت در استنتاج‌های علّی، پیشنهاد می‌شود که پژوهش‌های آینده از طرح‌های طولی استفاده کنند. محدودیت دیگر این پژوهش استفاده از نمونه‌ای متشکل از دانشجویان بود که تعمیم‌پذیری یافته‌ها را به سایر گروه‌های جمعیتی، از جمله افراد غیر دانشجو یا کسانی که در محیط‌های بالینی حضور دارند، محدود می‌کند. بنابراین، پژوهش‌های آتی می‌توانند با استفاده از نمونه‌های متنوع‌تر، یافته‌های پژوهش حاضر را مورد آزمون قرار دهند. همچنین، این پژوهش بر اساس گزارش‌های خوداظهاری اجرا شده است که می‌تواند با سوگیری پاسخ‌دهندگان همراه باشد. به منظور افزایش دقت در سنجش متغیرها، پیشنهاد می‌شود که مطالعات آتی از روش‌های چندمنبعی مانند گزارش‌های بالینی یا ارزیابی‌های رفتاری استفاده کنند.

پیشنهاد می‌شود که در پژوهش‌های آینده، نقش سایر متغیرهای میانجی یا تعدیل‌گر مانند سبک‌های دلبستگی، خودکارآمدی یا حمایت اجتماعی در رابطه بین طرحواره‌های ناسازگار اولیه، ویژگی‌های شخصیت و افسردگی بررسی شود. همچنین، با توجه به یافته‌های پژوهش حاضر که نشان داد ویژگی‌های شخصیت نقش واسطه‌ای معناداری در ارتباط بین طرحواره‌های ناسازگار اولیه و افسردگی ندارد، پژوهش‌های آتی می‌توانند با استفاده از مدل‌های پیچیده‌تر، مانند مدل‌های چندسطحی یا مدل‌های تعاملی، نقش عوامل فردی و محیطی را در این رابطه مورد بررسی قرار دهند. علاوه بر این، بررسی اثربخشی مداخلات شناختی-رفتاری و طرحواره‌درمانی در کاهش تأثیر طرحواره‌های ناسازگار اولیه بر افسردگی، می‌تواند از جمله مسیرهای ارزشمند برای پژوهش‌های آینده باشد.

References

Anthony, J. (2021). Validity of the Grossarth-Maticek and Eysenck personality-stress model of disease: An empirical prospective cohort study. Personality and Individual Differences. Personality and Individual Differences, 17(12),110-123.

Apalkovaa, Y., Marina, L., Butovskayaa, K. & Bernhard, F (2020). Personality, aggression, sensation seeking, and hormonal responses to challenge in Russian alpinists and special operation forces. Personality and Individual Differences, 10(2).

Arnoud A., Frenk P. & Marcus J.(2018). Exploring mechanisms of change in schema therapy for chronic depression. J Behav Ther Exp Psychiatry, 5(7):97-105

Azkhosh, M., & Asgari, A. (2014). Five factor model in Iranian culture: A psychometrics analysis of NEO-five factor inventory (NEO-FFI). Int J India Psychol, 1(4), 78-85.

Baelemans, M. C., Plooij, P., Bachrach, N., & Arntz, A. (2025). The Subjective Experience of the Punitive Parent Mode in Individuals With Borderline Personality Disorder Following Schema Therapy: A Qualitative Study. Clinical Psychology & Psychotherapy, 32(1), e70045.

Bartucz, M. B., David, D. O., & Matu, S. A. (2022). Cognitive vulnerabilities and depression: A culture-moderated meta-analysis. Cognitive Therapy and Research, 46(3), 502-516.

Basile B., Tenore K. & Mancini F. (2019). Early maladaptive schemas in overweight and obesity: A schema mode model. Heliyon. 5(9): 36-50.

Beck, A. T., John, B. K., & Beck, J. (2021). The development of psychiatric disorders from adaptive behavior to serious mental health conditions. Cognitive Therapy and Research, 45(3), 385-390.

Beck, J. S., & Freeman, A. (1996). Cognitive therapy of personality disorders. Frontiers of cognitive therapy, 165-181.

Bond, F.W., Belklaj, J .; T. and Flexman, Paul. (2016). Acceptance and adherence treatment therapy. (Mosleh Mirzaei and Saman Nonhal), Tehran: Arjmand.

Chad M.S., Steela, E., Newmana, S., O'Rourkea G. & Ethel ,Q .(2020). A systematic review of

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.23455780.1403.12.2.7.2]

cognitive distortions in online child sexual exploitation material offenders. Aggression and Violent Behavior, 51(32) : 240-260.

Dadfar, M., & Kalibatseva, Z. (2016). Psychometric properties of the persian version of the short beck depression inventory with Iranian psychiatric outpatients. Scientifica, 2016(1), 8196463.

Dembo, J., Sisco V.V. & Guy W. (2020). The influence of cognitive distortions on decision-making capacity for physician aid in dying, Aggression and Violent Behavior, 3(2): 18-36.

Deng, Y., Cherian, J., Khan, N. U. N., Kumari, K., Sial, M. S., Comite, U., ... & Popp, J. (2022). Family and academic stress and their impact on students' depression level and academic performance. Frontiers in psychiatry, 13, 869337.

Donnell E.M., Hevey D., McCauley M. & Noel K. (2018). Exploration of Associations between Early Maladaptive Schemas, Impaired Emotional Regulation, Coping Strategies and Resilience in Opioid Dependent Poly-Drug Users. Subst Use Misuse; 53(14):2320- 2329.

Duffy, A., Keown-Stoneman, C., Goodday, S., Horrocks, J., Lowe, M., King, N., ... & Saunders, K. E. (2020). Predictors of mental health and academic outcomes in first-year university students: Identifying prevention and early-intervention targets. BJPsych open, 6(3), e46.

Edwards, D. J. A. (2022). Using schema modes for case conceptualization in schema therapy: an applied clinical approach. Frontiers in Psychology, 12, 763670.

Eibeck, A., Shaocong, Z., Mei Qi, L., & Kraft, M. (2024). Research data supporting" A Simple and Efficient Approach to Unsupervised Instance Matching and its Application to Linked Data of Power Plants".

Fischer, J., Márcio, A.& Scavarda, T .(2016). Development and Application of a Maturity Measurement Framework . 14 for Supply Chain Flexibility, Procedia CIRP, 2016, 41(21): 514-519.

Flink, N. (2019). Early maladaptive schemas in chronically depressed patients: A preliminary investigation. Clinical Psychologist, 23(1), 15-25

Gong, J., & Chan, R. C. (2018). Early maladaptive schemas as mediators between childhood maltreatment and later psychological distress among Chinese college students. Psychiatry research, 259, 493-500.

Jaafari, Z., Farhadi, A., Lari, F. A., Mousavi, F. S., Moltafet, H., Dashti, E., & Marzban, M. (2021). Prevalence of depression in Iranian college students: a systematic review and meta-analysis. Iran J Psychiatry Behav Sci, 15(1), e101524.

Khosravani, V., Najafi, M., & Mohammadzadeh, A. (2020). The Young Schema questionnaire-short form: A Persian version among a large sample of psychiatric patients. International journal of mental health and addiction, 18, 949-967.

Kim, H. S. (2024). The relationship among personality type, self-esteem and mental health of nursing students. Journal of Korean Academy of Psychiatric and Mental Health Nursing, 12(4), 385-393.

Kotov, R., Gamez, W., Schmidt, F., & Watson, D. (2010). Linking “big” personality traits to anxiety, depressive, and substance use disorders: a meta-analysis. Psychological bulletin, 136(5), 768.

Liu, H., Zhang, M., Yang, Q., & Yu, B. (2020). Gender differences in the influence of social isolation and loneliness on depressive symptoms in college students: a longitudinal study. Social psychiatry and psychiatric epidemiology, 55, 251-257.

Mącik, D., Łysiak, M., & Mącik, R. (2019). Mediating role of neuroticism between early maladaptive schemas and negative emotionality. Current Issues in Personality Psychology, 7(3), 220-231.

McCrae, R., Costa, P. (2002). Openness to experience and ego level in loevinger'sentce completion test: Dispositional contribution to developmental models of personality. Journal of personality and social psychology; 39(12): 1179-1190.

Meneguzzo, P., Cazzola, C., Castegnaro, R., Buscaglia, F., Bucci, E., Pillan, A., ... & Todisco, P. (2021). Associations between trauma, early maladaptive schemas, personality traits, and clinical severity in eating disorder patients: a clinical presentation and mediation analysis. Frontiers in Psychology, 12, 661924.

Menidjel, C., Benhabib, A., & Bilgihan, A. (2017). Examining the moderating role of personality traits in the relationship between brand trust and brand loyalty. Journal of Product & Brand Management, 26(6), 631-649.

Ningrum, A. S. B., Aini, N., Orwela, C., & Hajan, B. H. (2024). Beyond Gender: How Personality Types Affect Pre-Service EFL

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.23455780.1403.12.2.7.2]

Teachers' Speaking Skills. Journal of Languages and Language Teaching, 12(2), 907-918.

Palmer-Cooper, E. C., Woods, C., & Richardson, T. (2023). The relationship between dysfunctional attitudes, maladaptive perfectionism, metacognition and symptoms of mania and depression in bipolar disorder: The role of self-compassion as a mediating factor. Journal of Affective Disorders, 341, 265-274.

Price, R. B., & Duman, R. (2020). Neuroplasticity in cognitive and psychological mechanisms of depression: an integrative model. Molecular psychiatry, 25(3), 530-543.

Sharei, A., Ebrahimi, M., Ahmadi Ochtapeh, P., Mahdavirad, H., & Jamshiddoust Miyanroudi, F. (2023). The Effectiveness of Strength-Based Therapy in Improving Self-Esteem and Reducing Suicidal Thoughts of Women Affected by Domestic Violence in Ardebil. *Preventive Counseling*, *4*(1), 31-44.

Tariq, A., Reid, C., & Chan, S. W. (2021). A meta-analysis of the relationship between early maladaptive schemas and depression in adolescence and young adulthood. Psychological Medicine, 51(8), 1233-1248.

Tavallaii, A., Naderi, Z., Rezaiemaram, P., Tavallaii, V., Babamohamadi, Z., & Aghaie, M. (2015). The relationship between early maladaptive schemas and three dimensions of headache impact in Iranian outpatients with chronic migraine without aura. International Journal of Behavioral Sciences, 9(3), 201-209.

Thimm, J. C. (2017). Relationships between early maladaptive schemas, mindfulness, self-compassion, and psychological distress. International Journal of Psychology and Psychological Therapy, 17(1), 3-17.

Vittengl, J. R., Clark, L. A., Thase, M. E., & Jarrett, R. B. (2020). Do patients' cognitive therapy skills predict personality change during treatment of depression?. Behaviour research and therapy, 133, 103695.

Wei, H., Dorn, A., Hutto, H., Webb Corbett, R., Haberstroh, A., & Larson, K. (2021). Impacts of nursing student burnout on psychological well-being and academic achievement. Journal of Nursing Education, 60(7), 369-376.

Young, J. E. (1998). Young Schema Questionnaire--Short Form. Cognitive therapy and research.

Young, J. E., Klosko, J. S., & Weishaar, M. E. (2006). Schema therapy: A practitioner's guide. guilford press.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.23455780.1403.12.2.7.2]